



ممکن و غیر ممکن های جهانی شدن

آیا اقتصاد فعلی ایران، توان حضور موفق در صحنه جهانی را دارد؟

جهانی شدن، ادغام اقتصاد کشورهای جهان با هدف گسترش تجارت و بر مبنای گشودن دروازه های اقتصاد به روی جهان است که از طریق آزادسازی تجاری و قطع حمایت و یارانه های کالاهای صادراتی مقدور می باشد. به این ترتیب، کالاهایی در اقتصاد به رقابت در صحنه های جهانی می پردازند که کشورها در تولید آنها مزیت نسبی و رقابتی تولید دارند، نه به واسطه امتیازات پرداختی از جانب دولت ها از حیث قیمتی توان رقابت را یافته باشند. لذا رقابت از سطح منطقه ای و داخلی، به سطوح بین المللی کشیده شده و قدرت رقابت بالای هر کشور، اسباب توسعه اقتصادی در عرصه جهانی را برای آن کشور فراهم می کند.

با توجه به ظرفیت های موجود در کشورمان، رشد بخش صنعت و معدن، وجود پتانسیل های افزایش صادرات و تولید، نیروی کار کافی و منابع سرمایه ای خدادادی مورد نیاز جهت تقویت تولید، می توان ظرفیت بالقوه تولید و سرمایه گذاری را در کشور به فعلیت رساند. همچنین، بهبود مدیریت تولید و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت تشویق سرمایه گذاری و تشویق بخش خصوصی در حرکت به سمت افزایش کمی و کیفی محصولات برای افزایش توان رقابتی این محصولات در عرصه های جهانی، منجر به افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات و کاهش قیمت تمام شده محصول و امکان استفاده از ظرفیت بازارهای جهانی می شود و می تواند از مهمترین دستاوردهای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باشد. در مقابل، کاهش تعرفه های تجاری و همچنین حذف سوبسیدها، تنظیم انحصارات، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح قوانین بانکداری، لغو انحصارات، ایجاد شرایط رقابتی و حذف موانع گمرکی، از مهمترین پیش نیازهای پیوستن به سازمان مذکور است که خوشبختانه طی سال های اخیر، اقداماتی در این زمینه، در کشور ما صورت گرفته است.

حذف ممنوعیت های موجود برای برخی کالاها، لغو قانون اخذ مابه التفاوت سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان برای کالاهای وارداتی و حذف برخی معافیت های مالیاتی و امتیازات اعطایی به صادرکنندگان، از اقدامات دیگری است که کشور ما باید گام های مفیدی در این زمینه بردارد.

در این بین، ایران به عنوان عضو ناظر که در جهت عضویت دایم گام برمی دارد، موظف به حصول شرایط مورد نظر سازمان مذکور است که علاوه بر موارد فوق الذکر، ایجاد شرایط مطلوب سرمایه گذاری خارجی با سیاست کاهش ریسک سرمایه، از اقدامات دیگری است که باید در زمینه رفع ابهامات موجود انجام شود.

اثر جهانی شدن بر صادرات و واردات

در بررسی های به عمل آمده به وسیله دو تن از اقتصاددانان دانشگاه اصفهان و با توسل به الگوهای اقتصادسنجی در زمینه بررسی اثرات جهانی شدن ایران بر شاخص هایی چون صادرات و واردات کالاهای واسطه ای سرمایه ای و مصرفی، چنین نتیجه گیری شده است که کالای واسطه ای بخش ساختمان (نظیر سیمان و فولاد) در عرضه صادرات بیشترین حساسیت را با ضریبی در حدود شش به خود اختصاص داده است (به عبارتی، در نتیجه ۱ درصد تغییر ضریب جهانی شدن، در حدود ۶ درصد صادرات کالاهای واسطه ای در بخش ساختمان افزایش خواهد یافت). این موضوع به مزیت نسبی کشور ما در بخش کالاهای واسطه ای ساختمان مربوط است و می توان امید داشت، در نتیجه حمایت مؤثر و مفید جهت ترغیب و تشویق این بخش با

عضویت کشور در

سازمان تجارت جهانی، شاهد بروز موفقیت هایی در این زمینه باشیم.

مورد دیگر بررسی، تأثیر جهانی شدن اقتصاد ایران بر صادرات کالاهای مصرفی است و نتیجه بررسی ها مبین این واقعیت است که جهانی شدن، تأثیر چندانی بر صادرات کالاهای مصرفی کشورمان ندارد و انتظار می رود جهانی شدن منجر به ایجاد شرایط نامطلوب در زمینه صادرات کالاهای مصرفی شود که دلیل آن، ناتوانی این تولیدات در رقابت جهانی است.

در رابطه با واردات کالاهای واسطه ای، بخش صنعت و معدن، بیشترین ضریب تخمینی را دارا می باشد و این موضوع، نشانه ککش و تأثیرپذیری تقاضای واردات در این بخش است. به عبارت دیگر، جهانی شدن می تواند منجر به افزایش شدید کالاهای واسطه ای در بخش صنعت و معدن گردد. پس از آن، به ترتیب، بخش های ساختمان و خدمات تأثیرات بعدی را خواهند پذیرفت و این در حالی است که بخش کشاورزی، کمترین تأثیر را از جهانی شدن اقتصاد در ایران می پذیرد. در رابطه با کالاهای سرمایه ای، همه بخش ها ککش کمتر از یک دارند که این نشانه تأثیر اندک جهانی شدن بر واردات کالاهای سرمایه ای است و در این بین، واردات کالاهای سرمایه ای کشاورزی کمترین تأثیر را می پذیرد.

جهانی شدن و اشتغال

از موارد دیگر، بررسی تأثیر جهانی شدن بر اشتغال و سطح دستمزدها، بهره وری نیروی کار و رفاه کارگران است. در مورد ایران می توان چند موضوع مهم را ذکر کرد. اولاً، به دلیل پایین بودن بهره وری و کارایی صنایع در ایران نسبت به استانداردهای جهانی، باز شدن اقتصاد به روی بازارهای جهانی می تواند منجر به افزایش سطح بهره وری و کاهش نیروی شاغل در این بخش ها شود. ثانیاً، بروز شوک های بیرونی اقتصاد در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، تغییرات قیمت نفت و مسایل داخلی و خارجی، تأثیرات بیشتری را بر صنایع صادراتی می گذارند که دلیل آن، کوچکتر بودن صنایع صادراتی نسبت به صنایع وارداتی این کشورها است که قطع حمایت دولت ها در پروسه جهانی شدن اقتصاد از این صنایع را به دنبال دارد. این شوک ها اثرات شدیدی بر صنایع مذکور خواهند گذاشت.

غیر قابل انعطاف بودن قوانین کار ایران، هزینه های تولید را در کشور افزایش و توان رقابتی تولیدات داخل را در صحنه های جهانی کاهش داده است. با باز شدن اقتصاد و تلاش در جهت افزایش رقابت این کشورها، لازم است استفاده از نیروی کار، کاهش و حرکت در جهت استفاده از سرمایه بیشتر صورت پذیرد که نتیجه آن، افزایش بیکاری در این صنایع است. ولی در بلندمدت، به خاطر مزایای جهانی شدن، طبیعتاً درکنار اعمال اصلاحات لازم در بازار کار، اشتغال افزایش پیدا خواهد کرد.

خط های قرمز

آیا اقتصاد فعلی ایران توان حضور موفق در صحنه جهانی را دارد یا خیر؟ مراجعه به آمارهای موجود در زمینه برخی داده های اقتصاد مانند تورم، بیکاری و سرمایه گذاری، مبین نوعی عقب افتادگی اقتصاد امروز ایران است که عدم توجه کارشناسانه به آن - جدای از بحث ورود به سازمان تجارت جهانی - به خودی خود خطرناک است. شرایط رکود تورمی حاکم بر اقتصاد ایران، نرخ بالای

نامطلوب جهانی شدن بر اقتصاد را کاهش دهد، می توان به افزایش هزینه های آموزش نیروی کار و افزایش توانایی ها و قابلیت های نیروی کار و اصلاح قوانین دست و پاگیر کار، رقابتی کردن صنایع، شناسایی و استفاده از مزیت های نسبی کشور و تلاش در جهت خلق مزیت های نسبی و رقابتی جدید، بازار یابی فعال، رشد کارایی صنایع و بهره وری به همراه مدیریت بهینه تولید اشاره کرد. از طرفی، اتخاذ سیاست های مناسب دولت در برخورد با عواقب منفی احتمالی ناشی از تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال، بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد، زیرا امکان دارد افرادی که در نتیجه ورود محصولات خارجی بیکار می شوند، به سرعت قادر به یافتن شغل مناسب نباشند. لذا دولت ها به جای پرداخت یارانه ها و سوبسیدها به برخی گروه های تولیدی که منجر به رقابت دروغین کالا به واسطه قیمت تمام شده پایین این کالاها شده، باید حمایت های خود را متوجه نیروی کار بیکار نموده و شرایط را در جهت ارتقای بهره وری نیروی کار میزبان نمایند.

نظام بانکی کشور، نه تنها عمدتاً دولتی است و نرخ های بهره بانکی مستقیماً به وسیله بخشنامه های دولتی مشخص می شوند، بلکه وام های پرداختی به بخش های مختلف نیز بر مبنای نرخ های بهره مصوب دولتی صورت می گیرد و لازم است مالکیت بخشی بانک ها بر اساس ضوابطی صحیح به بخش خصوصی واگذار شود. اگر چه مؤسسات وام گیرنده از نظام بانکی، وابسته به یارانه های مستقیم و غیرمستقیم بانکی هستند، کاهش این یارانه ها ممکن است باعث کاهش توان بازپرداخت این شرکت ها از بانک ها شود، لذا دولت مجبور به پرداخت این وام ها و تزیق سرمایه های مذکور به بانک ها می شود. پس، اصلاح نظام بانک ها باید با اصلاح نظام یارانه ها همراه باشد.

در نهایت، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی به توجهی جامع الاطراف نیاز دارد تا با اتخاذ سیاست های درست و حرکت صحیح در جهت ارتقای کمی و کیفی تولید و تعریف شرایط درست، پیروزی تولیدات داخلی در رقابت های بین المللی تضمین شده باشد. امیدواریم دولت مردان جمهوری اسلامی ایران، تدابیر صحیحی در زمینه حضور توأم با سربلندی کشور را در صحنه های جهانی فراهم کنند. ■

بیکاری جوانان، تولید بسیاری از واحدهای تولیدی با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت بنگاه که منجر به زیان دهی بنگاه های مذکور یا سودآوری ناچیز آنان شده است، افزایش شدید واردات کشور تا مرز نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار که ظاهراً در جهت تأمین مایحتاج مردم و قشر آسیب پذیر صورت گرفته اما منجر به زیان دهی بنگاه های داخلی و افزایش بیکاری و تعطیلی برخی بنگاه های تولیدی در کشور شده است، تأثیرات منفی شدیدی را بر اقتصاد کشور گذاشته اند. از طرفی، نابسامانی بخش مسکن نیز که منجر به بروز شرایط بسیار طاقت فرسا برای مصرف کنندگان واقعی این بخش (که اتفاقاً از اقشار کم درآمد جامعه هستند) و همچنین منجر به هدایت اعتبارات و سرمایه ها به این بخش گردیده است، رشد ناچیز محصول ناخالص داخلی (GDP) کشور، توسل به سیاست های کوتاه مدت نظیر واردات که مشکلات موجود را به صورت موقت برطرف کرده و اثرات منفی جبران ناپذیری را به کشور وارد می کند، تفاوت فاحش بین نرخ تورم و نرخ تسهیلات بانکی و همچنین پایین تر بودن نرخ سود تسهیلات که تسهیلات را به جای سرمایه گذاری و افزایش تولید به هوای استفاده از این مابه التفاوت روانه بانک ها می کند، تزیق ریالی درآمدهای نفتی و افزایش نقدینگی کشور، هزینه های سرسام آور سرمایه در کشور از قبیل نرخ های بالای بهره بانکی و جریمه های دیرکرد، از مواردی هستند که به دلیل سیاست های دولتی به وقوع پیوسته اند. تهدیدات بین المللی کشور که شرایط را برای تثبیت سرمایه گذاری در کشور به شدت تضعیف نموده است نیز از جمله مسایل و مشکلات بین المللی است که چرخه اقتصاد ایران را درگیر نموده و راه را برای حضور پُررنگ توأم با برتری و توان بالای رقابتی در کشور مسدود نموده است و نشان از حرکت اقتصاد کشور به سوی خط قرمزهای خطرناکی دارد و می تواند بحران های شدیدی را، چه در صحنه های داخلی و چه در صحنه های بین المللی، به بار آورد.

راهکارها

در ادامه تحقیقات و جهت رایه راهکاری مناسب که می تواند اثرات

چشم انداز مناقشه ایران و آمریکا

سناریوهای ژئوپلتیک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در تحلیل یان پرمیر، رییس گروه Eurasia، منتظر آشتی و دیپلماسی ایران و آمریکا نباشید.

امضا کرده اند. در دوازده ماه آتی، فرآورده های نفتی ایران در همان سطح باقی خواهند ماند، اما ایران با پیشرفت در برنامه هسته ای، پاسخ کوبنده ای به سیاست های آمریکا داده و نفوذ خود را در منطقه توسعه خواهد داد.

تهران با کاهش بازرسی های آژانس انرژی هسته ای، تقویت شبه نظامیان شیعه در عراق، حزب الله، حماس و دیگر گروه ها و تدارک نیروهای نظامی، امکان وقوع اتفاقات غیرمنتظره را افزایش خواهد داد. چرخه سیاست های قهری آمریکا و پاسخ های قطعی ایران، سبب ترویج بی ثباتی در منطقه و افزایش قیمت نفت در ماه های آتی خواهد بود.

جنگ با اسرائیل - به تنهایی؟

با افزایش تنش ها بین ایران و اسرائیل، بزرگترین خطر، حمله نظامی به ایران از طرف آمریکا نبوده، بلکه از سوی اسرائیل است. در کنار مسایلی مانند حماس و حزب الله، اسرائیل، پیشرفت انرژی هسته ای ایران را تهدیدی بر امنیت خود قلمداد می کند. پس از گزارش برآورد امنیت ملی آمریکا (NIE)، اسرائیل از این که نزدیک ترین هم پیمانانش - آمریکا - از اقدام نظامی علیه ایران منصرف شده، نگران

در ماه های پیش رو، آمریکا موضع خود را علیه ایران تغییر نمی دهد و این روند در دولت آینده این کشور - که پس از نوامبر ۲۰۰۸ انتخاب خواهد شد - نیز ادامه خواهد یافت. در همین راستا، سیاست های آمریکا با تحت فشار قرار دادن ایران از طریق صدور قطعنامه یا تحریم های یکجانبه ادامه خواهد یافت، گرچه گهگاهی - هرچند بی حاصل - دست به ابتکارات دیپلماتیک خواهد زد.

با توجه به عدم حمایت چین و روسیه از قطعنامه ها، روند سازمان ملل متوقف خواهد شد و نتیجتاً در آینده، اکثر اقدامات آمریکا به صورت یک جانبه علیه بانک ها و شرکت های ایرانی صادر خواهد شد. واشنگتن به دولت ها، بانک ها و شرکت های خارجی، از جمله ذبی فشار بیشتری وارد خواهد کرد تا روابط تجاری خود را با ایران کاهش یا خاتمه دهند.

انگلیس و فرانسه نیز در صدد صدور قطعنامه خواهند بود، اما اعضای دیگر اتحادیه اروپا از آنها حمایت نخواهند کرد. حتی اگر آنها هم با این دو کشور همراه شوند، شرکت ها و بانک های روسیه، چین و دیگر کشورها خلاء ناشی از این تحریم ها را پر خواهند کرد.

در چند ماه گذشته، شرکت چینی سینوپک برای توسعه میدان نفتی یادآوران، شرکت اس کی اس ونچرز در مالزی و کشور روسیه، قراردادهای بزرگی را با ایران